

در حاشیه برگزاری کنسرت رسیتال پیانو «دلبر حکیم‌آوا» آشکار بود

رد پای بابک زنجانی در خسارت به اهالی موسیقی



عکس: مهرداد امینی



بینا یاری

نوازندگی در کمال دقت و مهارت، نوازش آرام‌و پرظرافت انگشتان بر روی پیانو در نهایت مهربانی و سحرآمیزی، پخش حسن زلالی و محبت، ذوق و

شعف گرمای ساطع شونده و به وجد آوردن همدلی در حاشیه ستایش موسیقی و حظ بردن مخاطب از یک اجرای اعلای مسحورکننده، نمود بارز و عیان کنسرت پیانوی خلم حکیم‌آوا در پنجشنبه گذشته بود. کنسرت رسیتال پیانو دلبر حکیم‌آوا در حاشیه جشنواره دانشجویی صبا،

در تالار رودکی با استقبال گسترده مخاطبان روبرو شده و این شبی بود که چیزی در آن فراتر از موسیقی و به خاطر موسیقی می‌درخشید و البته برای جشنواره دانشجویی صبا یک گام مثبت رویه‌چلو بود که با دستانی خالی و بدون حمایت مادی اتفاقی ارزشمند را رقم زده بودند. در این شب

کسانی که برای شنیدن هنر انگشتان خانم حکیم‌آوا به تالار رودکی آمده بودند؛ هنرمندی را به نظاره نشستند که نه خودنمایی در هنر او راهی دارد و نه تکبر و نخوت، تنها چیزی که جریان داشت مهر و احترام بود که بزرگ‌ترین و پیشکسوت‌ترین‌ها را نیز مشتاق این اجرا ساخته بود. و البته بعد از پایان

هزار توی شنیدار

در باب عدم حضور ۱۰ ساله دلبر حکیم‌آوا، استاد دانشگاه و نوازنده پیانو در ایران

خسران دنیا

آزوبین صداقت کیش

هنگام شنیدن رسیتال پیانوی تازه دلبر حکیم‌آوا، گذشته از زیبایی تمام و کمال و مسحورکننده موسیقی که در لحظه لحظه کنسرت جریان داشت، یک فکر، یک رؤیا ذهنم را به خود مشغول می‌کرد. برای آن که منشأ آن رؤیا را بهتر ببینیم باید به گذشته بازگردیم، به حدود ۱۰ سال قبل هنگامی که نوازنده نام‌آور تاجیک ایران را ترک کرد. دقیقاً نمی‌دانم چه شد که او باز به دوشنبه بازگشت یا بهتر بگویم مجبور به بازگشت شد اما اگر همان حدس‌ها و شایعه‌ها را - که در ایران اغلب چون چیزی هست - مردم همچون چیزی دهان‌به‌دهان منتقل می‌کنند - مبنای قرار دهم آن وقت رؤیای حاشیه کنسرت خود را به ما نشان خواهد داد.

در رؤیای آرزوی می‌کردم ای کاش می‌شد مسیبان چنین تغییراتی را به زور هم که شده یک بار به کنسرت بیابوریم، روی صندلی‌های تالار رودکی بنشینیم و وادارشان کنیم آن همه

زیبایی را ببینند. نمی‌دانم می‌توانند بشنوند یا گوششان چنان فرو بسته و جانشان چنان تیر هو تار شده است که حتی زیبایی شاعرانه شوین، ریاضیات مجسم باخ و شروشور مهار نشدنی لیست زیر انگشتان دلبر معجزه‌گر چنین نوازنده‌ای نمی‌تواند دلشان را بلرزاند و از جهان بی‌نگرویی که در آن زندانی‌اند آزدشان کند. اما اگر بر فرض محال می‌توانستند و گوش شنوایی داشتند لابد پس از این پنج‌شنبه شب شگفت‌انگیز پشیمان می‌شدند از کاری که کرده‌اند و زبانی که خواسته و ناخواسته به زندگی هنری در ایران زده‌اند. یا شاید حتا افسوس می‌خورند بلکه می‌گریستند بر عمری که گوش و هوششان بی‌زیبایی گذرانده است و خسران دنیایشان که چون گذشت هیچ بازش نمی‌گرداند.

نمی‌گویم زبانی که با تاراندن چنین نوازنده و معلم برجسته‌ای به جوانان و هنرجویان ایرانی زده‌اند چون چنان کسانی محال است این اندازه برای آموزش ارزش قائل باشند و در ضمیرشان توجهی به آینده هنری و فرهنگی فرزندان این

کشور وجود داشته باشد. می‌گویم شاید این زیبایی اکنون دور از دسترس شنونده ایرانی، زیبایی بی‌واسطه موسیقی که از فراز سد و بندهای گذر در دلشان کار گرفتند و ناچارشان کند از کرده خود پشیمان شوند و اندکی افسوس بخورند از بدکاری‌هایشان در حق یک انسان نازنین و در حق موسیقی. اما نتیجه مثبت گرفتن و متنبه شدن این جماعت حتی



در رؤیای من می‌نماید پس در نهایت راهی نمی‌ماند جز این که مانند آن گزین گو به منسوب به شکسبیر بیندیشیم این کسان که در درون خویش موسیقی ندارند و نواهای خوش آنان را حتی نمی‌چینند تنها به کار خیانت و توطئه و غارتگری می‌آیند. و به راستی که جز این نیز از ایشان بر نمی‌آید.

خیابان تصمیم‌گیری عملیاتی ناهنگام را کرده است. عملیاتی که بر سر آن هیچ‌گونه تابلویی از شروع و پایان عملیات عمرانی وجود ندارد که مشخص باشد بالاخره کی به اتمام خواهد رسید و حتی تصویری از طرح بهینه‌سازی بافت بلوار نیز بر سر منطقه حصار کشی وجود ندارد که بدانیم از قبل به چه چیزی اندیشیده شده است و آیا واقعا به چیزی اندیشیده شده یا خیر. ضمن آنکه مسیر پارکی که برای ورود به مجموعه تالار وحدت از بلوار شهر یار تعبیه شده، فاقد روشنایی است و حصارها فضای تاریکی را آفریده‌اند که در شب هنگام ورود به مجموعه رادشوار کرده؛ همچنین امنیت علاقه‌مندان را نیز تأمین نمی‌کند. در تابستان، زمان آغاز عملیات عمرانی، به علت بلندی ریزش و حضور خورشید تا دیروقت در آسمان، این مساله تنها برای کنسرت‌های آخر شب آن هم در حین خروج محسوس بود و اکنون که روزها کوتاه است و کمتر خورشیدی در آن یافت می‌شود عدم امنیت ناشی از تاریکی مسیر

و خیابان بیشتر درک می‌شود. ضمن آنکه پایان عملیات بهسازی هم نامشخص است و معلوم نیست چرا مدیران بنیاد رودکی و وزارت ارشاد نسبت به این وضعیت آشفته کاری شهرداری سکوت کرده‌اند و همچنین نسبت به وضعیت تحمیلی شهرداری به اهالی موسیقی بی‌اعتنا هستند. سالهاست کسانی که به مجموعه تالار وحدت مراجعه می‌کنند آرزو دارند که شهرداری برای این تالار که سر و کار اغلب اهالی موسیقی با آن می‌افتد پارکینگی طبقاتی بسازد تا کمتر سرگردان خیابان‌های اطراف تالار شوند و کمتر بر گه‌های جریمه را به سبب پارک در وسط بلوار بر روی ماشین خود ببینند اما گویا نه مدیران شهری درکی از بهسازی و احترام برای اهالی موسیقی دارند و نه مدیران بنیاد رودکی و مجموعه عوامل وزارت ارشاد علاقه‌ای به پیگیری و رفع سریع این‌گونه مشکلات و تکریم علاقه‌مندان موسیقی.

باگذشت ۵ ماه، هنوز تعمیرات بلوار شهر یار در مقابل تالار وحدت پایان نیافته

بی‌احترامی شهرداری به اهالی موسیقی

لیلاموسی زاده

سردانی مضاعف در پیدا کردن محل تالار و در بروردی آن بود مساله‌ای که تمامی کنسرت‌های این چند ماه گذشته با آن دست‌به‌گریبان بوده و هستند.

بسیاری در همان تابستان گذشته نسبت به عمل شهرداری منطقه خواهان اعتراض شدند چرا که این بازسازی همچون مزاحمتی برای علاقه‌مندان موسیقی بود و حکایت از بی‌توجهی شهرداری منطقه به این سالن و مدیرانش داشت که بدون هماهنگی با مدیران بنیاد رودکی و وزارت ارشاد در روزهای اوج کنسرت‌ها پیش از آغاز ماه محرم، نسبت به تخریب بافت قدیمی خیابان و حصار کشی آن اقدام کرده و دسترسی به تالار وحدت و رودکی را محدود و سخت نموده است. بسیاری

اوایل مردادماه امسال هم‌زمان با آغاز جشنواره موسیقی جوان زمانی بود که متوجه شدیم بلوار شهر یار یعنی همان خیابانی که تالار وحدت در آن قرار گرفته است حصار کشی شده تا عملیات عمرانی بهبود بستر خیابان در سمتی که مجموعه تالار وحدت قرار گرفته است انجام و کف خیابان مورد مرمت و بازسازی قرار گیرد. آن هم روزهایی که جشنواره ملی موسیقی جوان در حال انجام بود و بسیاری از شرکت‌کنندگان این جشنواره از شهرهای دور به تهران می‌آمدند و این منظر جدید خیابان و ورودی تالار وحدت برای آنها غیرمنظره می‌نمود و ای بسا باعث

نوا

ششمین جشنواره موسیقی نواحی و آیینی آینه‌دار

برنامه اجراهای ششمین فستیوال موسیقی نواحی و آیینی «آینه‌دار» با محوریت موسیقی اقوام ترکمن صحراء شمال خراسان و جنوب البرز منتشر شد. برنامه کامل اجراهای ششمین جشنواره موسیقی نواحی و آیینی «آینه‌دار» که روزهای ۲۰ تا ۲۲ آذرماه سال جاری با محوریت موسیقی اقوام ترکمن صحراء شمال خراسان و جنوب البرز در تالار رودکی تهران پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد، بدین شرح منتشر شد.

طبق اعلام روابط عمومی این رویداد، ۲۰ آذر این جشنواره آغاز خواهد شد و نوبت اول فستیوال آینه‌دار در ساعت ۱۸ روز چهارشنبه بیستم آذرماه به هنرمندان تهران اختصاص یافته است که زیر عنوان «فزول خوانی تهرسون» برنامه‌های خود را اجرا می‌کنند. این در حالی است که در نوبت دوم هنرمندانی از منطقه کومش کنسرتی در حوزه «هی ساربابی و چاربه‌دار کومش» را در ساعت ۲۱ برگزار می‌کنند.

روز پنجشنبه ۲۱ آذرماه در دومین روز آینه‌دار پروژه «ترکمن خالق آیدیم ساز لاری» با هنرنمایی هنرمندانی از منطقه ترکمن صحراء ساعت ۱۸ روی صحنه می‌رود. در نوبت دوم نیز که ساعت ۲۱ اجرا می‌شود هنرمندانی از منطقه الموت و طالقان و کرج با عنوان «از دژهای الموت تا باغ‌های طالقان» روی صحنه تالار رودکی می‌روند.

در شب سوم ششمین فستیوال آینه‌دار که روز بیست و دوم آذرماه میزبان دوستداران موسیقی است، نخست هنرمندانی از شمال خراسان پروژه «دوتار و زغفران خراسان» را اجرا می‌کنند و در ساعت ۲۱ نیز پروژه «از نشیب دشت‌های ترکمن تا فراز قلله‌های الموت» به عنوان گزیده‌ای از اجراهای دوره ششم برگزار خواهد شد. آیین پایانی ششمین فستیوال موسیقی نواحی و اقوام آینه‌دار روز یکشنبه ۲۴ آذر در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود.

نوا

سه فانتزی روسی



برای پیانو

فرید عمران

به همراه یک‌سی‌دی

ناشر: ماهور ۱۳۹۸

فرید عمران، موسیقی‌دان، آهنگساز و استاد موسیقی، متولد ۱۳۲۴ موسیقی را با فراگیری ویولن و پیانو آغاز کرد. فراگیری موسیقی را در کنسرواتوار تهران ادامه داد و از استادان او می‌توان از زنده‌یادان مرتضی حنانه و یوسف یوسف‌زاده نام برد. او هم‌زمان نزد پیانیست و آهنگساز روس لئونید ساموس به فراگیری آهنگسازی و نوازندگی پیانو ادامه می‌داد. سپس در آکادمی موسیقی لندن تحصیل در رشته آهنگسازی را تا درجه استادی پی‌گیری کرد و به پایان رساند.

در آنجا نزد استادانی چون جان مک‌کیب در آهنگسازی، پروفیسور لارنس لئونارد، در رهبری ارکستر، به تحصیل پرداخت. فرید عمران بیش از چهل سال در ایران و انگلستان به تدریس موسیقی مشغول بوده است. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۸۲ ارکستر «آکادامیا» را پایه‌ریزی کرد و در ۱۳۸۴ هنر کدهی عالی موسیقی و روان‌شناسی به‌نام «آکادامیا» را بنیان نهاد. در سال‌های ۸۵ و ۸۶ به‌عنوان رهبر و آهنگساز گر و ارکستر «آکادامیا» در جشنواره موسیقی فجر شرکت کرد و به دریافت چنگ زرین نایل آمد. فرید عمران همواره در کنار آموزش موسیقی مولفی با سبک خاص خود بوده است. آثار او در بسیاری از کشورهای اروپا و امریکا و ایران به‌اجرا درآمده‌اند.